

جایگاه و نقش پندآموزی سفر و سیاحت

در متون اسلامی و ادبی

هادی شریف مقدم^۱

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی

دانشگاه پیام نور مشهد

قاسم علی احسانیان^۲

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی

دانشگاه پیام نور مشهد

چکیده:

سفر و گردشگری از ایام قدیم مورد توجه و علاقه انسان ها بوده است و دین مبین اسلام نیز توجه خاصی به امر گردشگری در ابعاد مختلف داشته و دارد و به کرات به جنبه های تبادل فرهنگی و تعامل صلح آمیز ناشی از سیر و سفر اشاره دارد. قرآن کریم در بیش از ۲۰ آیه سیر و سفر را مورد سفارش قرار داده و با صیغهی امر آورده است و این صنعت را عامل مؤثر در تعامل و توسعه فرهنگها، استحکام روابط و انس و الفت بین ملتها می داند و باعث بهبود و ارتقاء ارتباطات بین المللی، افزایش سلامت جامعه و دیگر منافع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و توسعهی مناطق می شود. با بحث گردشگری اسلامی، خصوصاً بررسی آن از دیدگاه قرآن کریم و احادیث و ادعیه های دینی و منابع شعری و ادبی و ارائهی ادله های اسلامی و فراهم کردن شرایط گردشگری در پرتو قرآن و اسلام به توسعهی فهم، فرهنگ و ایده های گردشگری خواهیم پرداخت. با توجه به پیش بینی و ضرورت رشد صنعت گردشگری ایران و فراوانی جاذبه های گردشگری در ایران باید شرایط مناسبی را ایجاد نمود تا سالانه شاهد ورود گردشگران و علاقه مندان فراوانی از داخل و خارج کشور باشیم. در این میان

نقش و سهم آگاه و روشن ساختن مردم مسلمان با آموزه های دینی در زمینه ی گردشگری لازم به نظر می رسد. این مقاله با هدف پرداختن به امر گردشگری از دیدگاه قرآن، سنت و ادبیات و ارائهی آمیزه های اسلامی با تکیه بر آیات، روایات و اشعار ادبی می باشد و به اهمیت گردشگری از دیدگاه اسلام می پردازد. در نهایت اگر مسئله گردشگری دینی مورد توجه قرار گیرد و هم جهت با دیگر زمینه ها مدیریت شود، سهم صنعت گردشگری در توسعه های جامعه بیشتر خواهد بود.

واژه های کلیدی: سیر و سفر، گردشگری، گردشگری

اسلامی، گردشگری و قرآن، گردشگری و نهج البلاغه، گردشگری و ادبیات

Educational Role of Travel and Tourism in Islamic and Literary Texts

Hadi Sharif Moghaddam

Associated Professor, Department of
Knowledge and Information Sciences,
Payame Noor University, Mashad

Ghasem Ali Ehsanian

MA. In Knowledge and Information
Sciences, Payame Noor University,
Mashad

Abstract

Travel and tourism has been of interests of people from the very long time. Islam has emphasized on it from various aspects as well. In more than 20 version of the Holly Quran travel and tourism we proposed. In this study tourism from various literary, Islamic, Quran, poetic texts is study. Since Iran is an old country, tourists with a lot of old monuments, and too many tourist of the world are eager to visit Iran. The need for providing the situation for the tourists is emphasized in this study. At last, if Islamic tourism could be provided for

¹ - sh_mogadam@pnu.ac.ir² - gh_ahsanian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

روی فواید سفر بیشتر فکر شود و برنامه ریزی دقیقتری انجام شود تا بهره بیشتری نصیب گردد.

در این مقاله سعی شده است چشم انداز های مثبت و همگام با خدمت به توسعه صحیح صنعت گردشگری در ایران و معرفی این ضرورت به عنوان یک تمدن دیرینه و نشأت گرفته شده از مبانی تعالیم قرانی، اسلامی و ادبی و شناساندن این فرهنگ در ایران اسلامی، مورد بررسی قرار داده شود و دیدگاه های قران، احادیث و بزرگان فرهنگ و ادب این مرز و بوم به صورت نمایه ای ارائه خواهد شود امید است مسئولین محترم با استعانت از منابع پر ارزش در اتخاذ تصمیم های به جا و صحیح و شناساندن آداب سیر سفر به مردم عزیز نقش موثری را ایفا نمایند و این اقتصاد نامرئی را به نحو احسن معرفی نمایند.

اصولاً سفر در سرشت و ذات انسان است. کشف سرزمین های ناشناخته و آشنایی با فرهنگ اقوام دیگر، همیشه بشر را به تحرک واداشته است. کمتر کسی است که از سفر خاطره خوشآیندی نداشته باشد. آدمی سکون و رکود را دوست نمی دارد و خود را در رفتن معنی دار می بیند.

ساحل افتاده گفتم، گرچه بسی زیستم
هیچ نه معلوم گشت آه که من کیستم
موج زخود رفته ای تیز خرامید گفتم
هستم اگر می روم، گر نروم نیستم

تعاریف سفر

سفر در لغت نامه دهخدا اینگونه معنی شده است: سفر. [سَ فَ] [عِ اِ مِ صَ، اِ] مقابل حضر. بریدن مسافت. (منتهی الارب)

سفرخوش است کسی را که بامراد بود
اگر سراسر کوه و پڑ آیدش در پیش

(خسروانی)

گردشگری در فرهنگ فارسی معین اینگونه معنی شده است

(. ~ گ) (حامص.) سفر کردن به کشورها و جاهای مختلف برای دیدن و تماشا کردن و تفریح و... توریسم.

the Muslims and non-Muslims, it can provide a lot of financial opportunities for Iran.

Keywords: Tourism, Islamic tourism, Quran and Tourism, NahJolbalaghe and Tourism, Literature and Tourism

مقدمه

مسافرت اثرات مثبت مختلفی بر افراد میگذارد که یکی از این موارد «کاهش استرس و اضطراب» است، سفر این امکان را فراهم می آورد که کمی فشارهای روحی جسمی از انسان دور شود. حتی اگر از نوع سفر کاری باشد و مجبور باشیم ساعت‌های متمادی در کنفرانسهایی در خارج از کشور شرکت نماییم، در عوض با کشور یا شهر جدیدی آشنا خواهیم شد. استرس سفر یک استرس مثبت است و مثل اضطراب شما از کار زیاد یا زندگی روزمره نیست. کاهش فشار و استرس روحی همیشه به سلامتی انسانها کمک خواهد کرد.

سفر از هر نوعی که باشد باعث دور شدن انسانها از وضعیت عادی می شود و همین مسئله به تنهایی انرژی زیادی به ما میبخشد. همچنین باعث میشود که از چهاردیواری منزل یا محل کار دور شده و بیشتر از هوای تازه و سالم لذت ببریم. گشت گذار در بلاد دید و احساس تازه ای نسبت به فرهنگها و آداب و رسوم مختلف به میدهد. از این طریق به ما کمک می شود تا افراد مختلفی و اجتماع های گوناگون را ملاقات کنیم. اجتماعی بودن و معاشرت کردن نوعی درمان به حساب میآید و باعث میشود با فرهنگها و آداب و رسوم مختلف آشنا شویم.

گردشگری این امکان را مهیا می سازد تا بدون فکر کردن به وظایف و مسئولیتهای خانه، زمان بیشتری با اعضای خانواده در کنار هم باشیم و کمی به گذشته برگردید. مطمئناً گذراندن اوقاتی خوش کنار همسران سایر اعضای خانواده در سفر، خیلی بهتر از بحث کردن است. همیشه

همچنین سفر در اصطلاحات عرفا توجه دل است بسوی حق و اسفار چهار است :

- ۱- سیر الی الله. ۲- سیر فی الله. ۳- ترقی بعین حق جمع و حضرت احدیت است که مقام مقام «قاب قوسین» است. ۴- سیر بالله عن الله است. بعضی اسفار اربعه را چنین بیان کرده اند:
- ۱- سفر اول عبارت از رفع حجابهای کثرت از وحدت است و آن سیر بسوی خداست.
- ۲- رفع حجاب وحدت است از وجود کثرت و آن سیر در خداست.
- ۳- عبارت از میان رفتن تقید و بقید ظاهر و باطن است که ترقی به عین الجمع است.
- ۴- بازگشت از حق بخلق و آن احدیت جمع و فرق است. (از فرهنگ مصطلحات عرفاء سجادی). رجوع به تعریفات شود.

(ناصر خسرو)

فواید سفر

در خصوص فواید سفر و مسافرت از ائمه اطهار و نبی اکرم (ص) احادیث و روایتی ذکر شده است. البته در اسلام علاوه بر اینکه به فواید آن اشاره شده است محدودیتهای را هم برای بعضی از سفرها در نظر گرفته است.

در روایاتی، مسافرت مورد تشویق قرار گرفته و فواید معنوی و مادی آن یادآوری شده است. از جمله در حدیث نبوی آمده است :

سافروا تصحوا، سافروا تغنموا.

مسافرت کنید تا سلامتی و عافیت یابید. مسافرت کنید تا بهره مند شوید.

در حدیثی دیگر از پیامبر (ص) آمده است :

سافروا تصحوا و ترزقوا؛ مسافرت کنید تا سلامتی و روزی پیدا کنید»

حال با توجه به شریعت اسلام و بهره گیری از فرامین دین مبین اسلام ما میتوانیم بعنوان یک کشور اسلامی بنیان گذار صنعت گردشگری اسلامی باشیم و مدیران با برنامه

ریزی دقیق و با بهره گیری از صاحب نظران اسلام نسبت به تعریف صنعت گردشگری اسلامی اقدام کنند.

قرآن و سیر سفر

در قرآن گردشگری، معادل واژهی «سائح» می باشد، چنانکه در آیهی ۱۱۲ سورهی توبه آمده است: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (مؤمنان کسانی هستند که توبه کنندگان و عبادت کنندگان و سپاس گویند و سیاحت کنندگان و رکوع کنندگان و سجده آوران و آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی و بشارت بده مؤمنانرا.)

از جمله اوصاف این مؤمنان و سایر مسلمانان این است که آنان توبه کننده از معاصی، پرستندهی دادار، سپاسگزار پروردگار، گردندهی در زمین و اندیشمند در افاق و انفس، نمازگزار، دستوردهنده به کار نیک، باز دارنده از کار بد و حافظ قوانین خداوند می باشند. مفسرین و علما برداشت های مختلفی از آن دارند که یکی از معنای این کلمه ی قرآنی «گردندگان در زمین برای اطلاع از آثار و درس گرفتن و عبرت آموختن از تاریخ گذشتگان و دیدن عجایب و غرایب جهان» می باشد. همچنین در آیه ی ۵ سوره ی تحریم: (عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَكَ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَاتِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا)

کلمه ی «سائحات» آمده است و طالب علم و مهاجر معنی شده است که اشاره و رهنمودی زیبا از گردشگری علمی است.

قرآن کریم در چندین آیه در سوره های مختلف اشاره به سفر و دلایل سفر دارد. همچنین در مورد هجرت نیز در چند سوره مختلف اشاراتی دارد که در ذیل می آید:

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند

عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند!

(سوره حج آیه ۴۶)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ (ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود)

(سوره نحل آیه ۳۶)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَرًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

(سوره مومن آیه ۸۲)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (سوره رعد آیه ۱۰۹)
وَيَوْمَ نَسِيرُ الْجِبَالِ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی؛ و همه آنان (انسانها) را برمی‌انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد!)

(سوره کهف آیه ۴۷)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ب(گو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید)

(سوره نمل آیه ۶۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین‌گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است

پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشتی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟

(سوره آل عمران ، آیه ۱۳۷)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ (بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟!)

(سوره انعام آیه ۱۱)

هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَكُمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت می‌دهد و خوشحال می‌شوند، ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می‌آید؛ و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتما از سپاسگزاران خواهیم بود)

(سوره یونس آیه ۲۲)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوش‌های شنوایی

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین‌گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین‌گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است

(سوره یونس آیه ۲۲)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین‌گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است

هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد؛ که او بهترین روزی دهندگان است)

(سوره حج آیه ۵۸)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب‌خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند؛ پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می‌سازد).

(سوره نحل آیه ۱۱۰)

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْشَى بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود): من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما هم‌نوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بی‌یقین گناهانشان را می‌بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است)

(سوره آل عمران آیه ۱۹۵)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند)

(سوره نحل آیه ۴۱)

وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنُ نَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و

(سوره عنکبوت آیه ۲۰)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (بگو): «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند)

(سوره روم آیه ۴۲)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّبِيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَأَيْمًا آمِنِينَ (و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم): شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید)

(سوره سباء آیه ۱۸)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود)

(سوره محمد آیه ۱۰)

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُتِبَ بِهَ الْمَوْتَىٰ بَلْ لَرَأَى اللَّهُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (اگر بوسیل؛ قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیل؛ آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد!) و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا نزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعده؛ خود تخلف نمی‌کند)

(سوره رعد آیه ۳۱)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (و کسانی که در راه خدا

صورت احساس خطر) به قتل برسانید! و از میان آنها، دوست و یار و یآوری اختیار نکنید)

(سوره نساء آیه ۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت (دوستی و تعهدی) در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می کنید، بیناست) (سوره انفال آیه ۷۲)

وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است) (سوره نساء آیه ۱۰۰)

در کلام مولا امیر المومنین علی (ع) که در نهج البلاغه ذکر شد است سفر اینگونه منعکس شده :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، وَلَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ، لِأَنَّ الْمُسْتَخْلَفَ لَا يَكُونُ مُسْتَصْحَبًا، وَالْمُسْتَصْحَبُ لَا يَكُونُ مُسْتَخْلَفًا (بارخدا یا ، به تو پناه می برم از سختی سفر و از اندوه بازگشت . و به تو پناه می برم ، از اینکه به هنگام بازگشت بینم که به زن و فرزند یا داراییم آسیبی رسیده باشد . بار خدا یا ، در این

در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند)

(سوره حشر آیه ۹)

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین)

(سوره مزمل آیه ۱۰)

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند)

(سوره توبه آیه ۱۹)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است)

(سوره بقره آیه ۲۱۸)

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابر این، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند)، هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید! و (در

وَعَلِمٌ، وَأَدَابٌ، وَصُحْبَةٌ مَّاجِدٍ
فَإِنْ قِيلَ فِي الْأَسْفَارِ ذُلٌّ وَمِحْنَةٌ
وَقَطْعُ الْفِيَا فِي وَارْتِكَابِ الشَّدَائِدِ
فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ
بِدَارِ هَوَانٍ بَيْنَ وَاشٍ وَحَاسِدٍ

در این شعر پنج فایده سفر از دیدگاه امیر المومنین علی (ع) بر شمرده می شود که عبات است از: قبل از همه آنکه در سفر تعالی و تکامل نهفته است. بسیاری از مردان بزرگ این مرز بوم در سفر و در برخورداری با آراء و عقاید مختلف درجات تعالی را طی کرده اند. و اما اولین فایده سفر فراهم آمدن آسایش خاطر برای انسان است. دوم کسب روزی و تجارت است. سوم سفر به خاطر کسب علم. چهارم یادگیری آداب و رسوم و فرهنگ است. پنجم فراهم آمدن مصاحبت و ملازمت نیکو با دیگران است. اگر بخواهیم به سیره بزرگان عمل کنیم همین یک فرمایش کفایت دارد تا در رشد و توسعه فرهنگ گردشگری کوشا باشیم و شرایط لازم برای سفر و سیاحت را در کشور فراهم آوریم.

در روایات، مشقت بار بودن سفر و سختی های آن گوش زد شده است و در روایاتی دیگر، مسافرت مورد تشویق قرار گرفته است و فواید معنوی و مادی آن یادآوری شده است.

البته روشن است که نباید مسافرت را معادل گردشگری دانست؛ زیرا گردشگری بیشتر بلکه همیشه در مسافرت های برون مرزی و دیدار از دیگر کشورها به کار برده می شود و حال آنکه مسافرت به رفت و برگشت های کوتاه مدت و کم مسافت مانند رفتن از شهری به شهر دیگر نیز اطلاق می گردد. از این رو نسبت میان این دو عنوان عموم و خصوص مطلق است و هر دو در منحنی ضمنی تقریباً در یک مورد هستند و آن استفاده از اوقات فراغت می باشد و سیاحت را در خود دارند. ولی در بین روایات گاهاً به صورت جداگانه می باشد و هر کدام از این روایات به صورتی اهمیت سفر یا گردش را مطرح می کنند. از جمله به فایده های سفر، آداب سفر، شرح و

سفر تو همراه من هستی و جانشین مرد مسافر در میان خاندانش نیز، تویی. کسی جز تو نتواند که این دو مهم را کفایت کند. زیرا آنکه جانشین مسافر است، در خانه، همسفر او نتواند بود و آنکه همسفر اوست، چگونه جانشین او در خانه تواند شد)

(نهج البلاغه خطبه ۴۶)

لبعض أصحابه لما عزم على المسير إلى الخوارج، فقال له: يا أمير المؤمنين إن سرت في هذا الوقت، خشيت ألا تظفر بمرادك، من طريق علم النجوم، فقال عليه السلام :

أَتَزَعَمُ أَنَّكَ تَهْدِي إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي مِنْ سَارَ فِيهَا صُرْفَ عَنهُ السُّوءُ؟ وَتُخَوِّفُ مِنَ السَّاعَةِ الَّتِي مِنْ سَارَ فِيهَا حَاقَ بِهِ الصُّرُوفُ؟ فَمَنْ صَدَّقَكَ بِهَذَا فَقَدْ كَذَّبَ الْقُرْآنَ، وَاسْتَعْنَى عَنِ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي نَيْلِ الْمَحْبُوبِ وَدَفْعِ الْمَكْرُوهِ، وَتَبَتَّعِي فِي قَوْلِكَ لِلْعَامِلِ بِأَمْرِكَ أَنْ يُؤَلِّكَ الْحَمْدَ دُونَ رَبِّهِ، لِأَنَّكَ . بِرِعْمِكَ . أَنْتَ هَدَيْتَهُ إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي (از سخنان آن حضرت استوقتی که

قصد حرکت به سوی خوارج نمود، و یکی از یارانش به او گفت: ای امیرمؤمنان، اگر در این ساعت حرکت کنی با اطلاعی که از اوضاع کواکب دارم می ترسم به پیروزی نرسی! حضرت فرمود: آیا تصور می کنی به ساعتی راهنمایی می نمایی که هر کس در آن ساعت حرکت کند زیان و ضرر از او دور می شود؟ و برحذر می داری از ساعتی که هر که در آن حرکت نماید زیان و ضرر وی را احاطه می کند؟ آن که تو را در این گفتار تصدیق کند قرآن را تکذیب کرده، و به گمان خود از طلب یاری خدا در به دست آوردن مطلوب و دفع مکروه بی نیاز شده. بنابر گفتار تو سزاوار است کسی که به گفته تو عمل کند تو را ستایش نماید نه خدا را، زیرا به خیال تو آن که او را به ساعتی راهنمایی کرده که در آن منفعت برده و از زیان در امان مانده تویی) (نهج البلاغه خطبه ۷۹)

گردشگری از نگاه روایات

تَقَرَّبُ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى

و سَافِرٌ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدٍ

تَفْرُجُ هَمَّهُ، وَكَتْسَابُ مَعِيشَةٍ

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ حَقَّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعَلِّمَ إِخْوَانَهُ وَحَقَّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدَّمَ أَنْ يَأْتُوهُ.

(کافی ج ۲)

پیامبر فرمودند وظیفه هر مسلمانی است که وقتی خواست به مسافرت برود دوستان و برادرانش را مطلع کند و دوستانش نیز وظیفه دارند هرگاه برگشت به دیدنش بروند.

۶- تهیه زاد و توشه؛ موافقت با دوستان

قال لقمان لابنه: تزود معك الادوية فتنتفع بها و من معك و كن لاصحابك موافقا الا في معصية الله.

(بحار ج ۷۳)

[در مسافرت] توشه زیاد بردار تا خود و همراهانت از آن بهره برند و با همراهانت موافق و همراه باش جز در گناه و عصیان پروردگار

۷- دعا و نماز خواندن

قال الرضا عليه السلام: و اذا اردت سفرا فاجمع اهلك و صل ركعتين و قل اللهم اني استودعك ديني و نفسي و اهلي و ولدي و عيالي.

(مستدرک ج ۲)

هرگاه خواستی به مسافرت روی خانواده خود را گرد آور و دو رکعت نماز بخوان و بگو «خدایا دینم و خود و خانواده و زن و فرزندم را به تو می سپارم».

قال الصادق عليه السلام: من قرأ قل هو الله احد حين يخرج من منزله عشر مرات لم يزل في حفظ الله عز و جل... حتى يرجع الى منزله.

(کافی ج ۴)

هرکه هنگام خروج از خانه اش ده بار "قل هو الله" را بخواند، تا آنگاه که به خانه اش برگردد در پناه خدا خواهد بود.

۸- بذل و بخشش ۱۰ حفظ اسرار ۱۱ شوخی نمودن

قال الصادق عليه السلام: "المروة في السفر كثرة الزاد و طيبه و بذله لمن كان معك و كتمانك على القوم سرهم بعد مفارقتك اياهم و كثرة المزاح في غير ما يستخط الله عزوجل".

(بحار ج ۷۳)

بسط گردشگری، خدانشناسی، و پی بردن به عظمت الهی. وفاداری - گذشت - مشورت - گشاده رویی - همیاری - رازداری - تعاون - خوش خلقی - شجاعت - خوب سخن گفتن - عدم باز گویی مشکلات - بر خورد خوش - خوشبینی در سفر - عدم تکروی - برنامه ی منظم سفر - مزاح و شوخی - خرج کردن مناسب با همراهان - بذل و سخاوت - رعایت موارد اخلاقی در سفر از نظر اسلام

احادیث مسافرت

۱- انتخاب رفیق

قال علي عليه السلام: سل عن الرفيق قبل الطريق و عن الجار قبل الدار.

(نهج البلاغه / نامه ۳۱)

قبل از مسافرت، از رفیق و همسفرت سوال کن و اطلاع یاب، و قبل از تهیه مسکن از همسایهات آگاه شو

۲- انتخاب رفیق هم طراز

اذا صحبت فاصحب نحوك فلا تصحب من يكفيك فان ذلك مذلة للمؤمن.

(مکارم الاخلاق ج ۱۳۱)

هنگام همنشینی، با سطح خود همراه شو، نه با کسی که به تو برسد. چراکه این کار موجب خواری مومن است.

۳- انتخاب رئیس

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اذا كان ثلاثة في سفر فليؤمروا احدهم.

(کنز العمال)

هرگاه سه نفر به مسافرت روند باید یکی از آنان مسئول کارها و تصمیمات شود.

۴- صدقه

قال الصادق عليه السلام: افتتح سفرک بالصدقة و اخرج اذا بدالك فانك تشتري سلامة نفسك.

(بحار ج ۱۰۰)

۵- به دیگران اطلاع دادن

(بحار ج ۷۶)

سفر کنید تا صحت و سلامتی بدست آید. و جهاد کنید تا غنیمت یابید.

ب- زیاد شدن عقل؛ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: "سافروا فانكم ان لم تغنموا مالا افدتم عقلا."

مسافرت کنید. چرا که اگر مالی به دست نیاورید، اما عقلتان زیاد می‌شود.

منبع: تبيان ویرایش و تلخیص: آکاایران

امام علی (علیه السلام) سفر به تنهایی رانم کرده و در انتخاب همسفر نیز سفارش به احتیاط می‌کند: با کسی که ارزش و مقدار و فضیلت تو را نمی‌داند سفر مکن. زیرا کسی که قدر تو را نشناسد با تو رفتار صحیحی نخواهد داشت و چه بسا به آبروی تو ضرر خواهد زد (مجلسی، حلیه المتقین، باب ۱۴، فصل ششم، ص ۳۰۷)، همچنین به امام حسن (علیه السلام) سفارش فرمود:

سل عن الرفیق قبل الطريق؛

پیش از حرکت، از همسفر بپرس

(نهج البلاغه، ن ۳۱)

در کتاب ارزشمند منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه، آقای محمد ری شهری احادیث، روایات و آیات مختلف در ارتباط با سفر را گرد آوری نموده اند که در ذیل به منتخبی از آنها اشاره می‌شود.

امام علی علیه السلام:

تَغَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَا وَسَافَرَ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدَ تَفْرُجُ هَمَّ وَكَتْسَابُ مَعِيشَةٍ وَعِلْمٌ وَأَدَابٌ وَصُحْبَةٌ مَاجِدٌ؛
- رسول الله صلى الله عليه وآله : سَافِرُوا تَصِحُّوا وَتَغْنَمُوا .

(منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۴)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : مسافرت کنید ، تا تندرست مانید و غنیمت به دست آورید .

- عنه صلى الله عليه وآله : السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ ، وَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفْرَهُ فَلْيَسْرِعِ الْإِيَابَ إِلَى أَهْلِهِ .

(منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۴)

مردانگی و بزرگی در سفر، در این است که: توشه زیاد و خوب برداری و به همراهانت هم ببخشی و اسرارشان را که در سفر از آن مطلع شده‌ای، بعد از جدایی از آنان بیوشانی و با آنان با کارهای غیر گناه ، زیاد شوخی کنی.

۹- بازگو نکردن مشکلات سفر

قال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... و ترك الرواية عليهم اذا انت فارقتهم.

(مستدرک ج ۲)

یکی از آداب سفر این است که: بعد از جدایی از همسفران پشت سرشان حرف نزنی.

۱۰- به تنهایی سفر نرفتن

قال الكاظم عليه السلام: لا تخرج في سفر وحدك فان الشيطان مع الواحد و هو من الاثنين ابعده.

(وسائل ج ۵)

هیچگاه تنها به سفر نرو که شیطان همراه هر تنهایی است و او از [جمع] دو نفره دور است.

۱۱- مشورت با دوستان؛ ۱۵ تبسم داشتن

قال الصادق عليه السلام: قال لقمان لابنه اذا سافرت مع قوم فاكثر استشارتهم في امرك و امرهم و اكثر التبسم في وجوههم (بحار ج ۷۶)

لقمان به پسرش سفارش کرد هرگاه همراه گروهی به مسافرت رفتی، در کارهای خود و آنان ، زیاد مشورت کن و خند بر چهره‌هاشان زیاد کن.

۱۲- سفر با افراد متواضع

قال علي عليه السلام: لا تصحبني في سفر من لا يري لك الفضل عليه كما ترى له الفضل عليك.

(بحار ج ۷۶)

هیچگاه همسفر کسی نشو که برایت فضل و جایگاهی نسبت به خود آنگونه که تو برای او در نزد خود قائلی، قائل نیست.

۱۳- فواید سفر

الف- سلامتی؛ قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سافروا تصحوا و جاهدوا تغنموا.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : مسافرت کردن بخشی از عذاب است و هرگاه فردی از شما سفرش را به پایان رساند زود نزد خانواده خود رود .

– الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَلَّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ .

(منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۴)

امام علی علیه السلام : پیش از سفر، از همسفر جويا شو و پیش از (خرید) خانه ، بین همسایهات کیست .

آداب مسافرت

– رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا كَانَ ثَلَاثَةَ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤْمَرُوا أَحَدَهُمْ .

(میزان الحکمه ج ۴)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : هرگاه سه نفر همسفر شدند، از میان خود یک نفر از خودشان را سرگروه کنند .

– عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ .

(میزان الحکمه ج ۴)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : بزرگ مردم (و سرگروه) کسی است که در سفر خدمتگزار آنان باشد .

– عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيُهْدِهِمْ وَلْيُطْرِفَهُمْ وَلَوْ حِجَارَةً !

(میزان الحکمه ج ۴)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : هر گاه یکی از شما به سفر رفت ، در بازگشت حتی اگر شده یک قطعه سنگ برای خانواده اش هدیه و تحفه بیاورد .

– الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرٍ مَنْ لَا يَرَى لَكَ الْفَضْلَ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ الْفَضْلَ عَلَيْكَ .

(میزان الحکمه ج ۴)

امام علی علیه السلام : با کسی همسفر نشو که برای تو برخود برتری نبیند ، آنچنان که تو برای او برخویش برتری بینی .

– الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : افْتَحِ سَفْرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَاخْرُجْ إِذَا بَدَأَ لَكَ؛ فَإِنَّكَ تَشْتَرِي سَلَامَةَ سَفْرِكَ .

(میزان الحکمه ج ۴)

– عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ لِقِمَانُ لِابْنِهِ : إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشَارَتَهُمْ فِي أَمْرِكَ وَأَمْرِهِمْ ، وَأَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجُوهِهِمْ ، وَكُنْ كَرِيمًا عَلَى زَادِكَ بَيْنَهُمْ ، وَإِذَا دَعَوْكَ فَأَجِبْهُمْ ، وَإِذَا اسْتَعَانُوكَ فَأَعْنِهِمْ ، وَاعْلِبْهُمْ بِثَلَاثٍ : طُولِ الصَّمْتِ ، وَكَثْرَةِ الصَّلَاةِ ، وَسَخَاءِ النَّفْسِ بِمَا مَعَكَ مِنْ دَابَّةٍ أَوْ مَالٍ أَوْ زَادٍ .

(میزان الحکمه ج ۴)

امام صادق علیه السلام : لقمان به فرزندش گفت : هرگاه با عده ای همسفر شدی ، در کارهای مربوط به خودت و آنها با ایشان زیاد مشورت کن و در روی آنان تبسم زیاد داشته باش در زاد و توشه ات نسبت به آنان بخشنده باش ، اگر تو را دعوت کردند قبول کن و اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن و در سه چیز از آنان برتر باش : خاموشی ، کثرت نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی و یا توشه ای که همراه داری .

– عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَّا مُرُوءَةُ السَّفَرِ فَبَدَلُ الزَّادِ ، وَالْمِزَاحُ فِي غَيْرِهِ مَا يُسَخِّطُ اللَّهَ ، وَقَلَّةُ الْخِلَافِ عَلَى مَنْ تَصَحَّبَهُ ، وَتَرْكُ الرِّوَايَةِ عَلَيْهِمْ إِذَا أَنْتَ فَارَقْتَهُمْ .

(میزان الحکمه ج ۴)

امام صادق علیه السلام : مردانگی در سفر عبارت است از : بخشیدن از ره توشه خود به همراهان ، شوخی کردن به گونه ای که خشم خدا راهمراه نداشته باشد ، کمی مخالفت و ناسازگاری باهمسفران و ترک بدگویی از همراهان بعد از جدا شدن از آنان .

سفرهای نهی شده

– الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ .

(منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۴ ص ۶۸ به بعد)

امام علی علیه السلام : انسان نباید به سفری رود که می ترسد در آن به دین و نمازش لطمه ای وارد آید .

– الإمام الصادق عليه السلام – لَمَّا سَأَلَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنِ الرَّجُلِ يُجَنِبُ فِي السَّفَرِ ، فَلَا يَجِدُ إِلَّا التَّلَجَّ أَوْ مَاءً جَامِداً – : هُوَ بِمَنْزِلَةِ الصَّرُورَةِ ، وَلَا أَرَى أَنْ يَعُودَ إِلَى هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي تُوْبِقُ دِينَهُ .

(میزان الحکمه ج ۴)

امام صادق علیه السلام – در پاسخ به سؤال محمد بن مسلم درباره حکم مردی که در سفر جنب می‌شود و (برای غسل کردن) چیزی جز برف یا یخ نمی‌یابد – : در این جا موضوع ضرورت در میان است . او نباید بار دیگر به چنین جایی که به دین او لطمه می‌زند سفر کند .

برای کسب بلند مرتبگی از وطن خود دور شو و سفر کن که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، بدست آوردن روزی و دانش و آداب زندگی، و هم‌نشینی با بزرگواران.

(مستدرک الوسائل، ج ۸)

گردش

– الإمام الصادق عليه السلام – لَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ وَهُوَ فِي مَنْزِلِ أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ : جَعَلْتُ فِدَاكَ ، مَا حَوْلَكَ إِلَى هَذَا الْمَنْزِلِ ؟ – : طَلَبُ التَّزْهَةِ .

(میزان الحکمه ج ۴)

امام صادق علیه السلام – در پاسخ به عمرو بن حرث که در منزل برادر امام ، عبدالله بن محمد خدمت ایشان رسید و گفت : فدایت شوم ! چه شده که به این جا آمده‌اید ؟ – : برای گردش .

– الإمام الرضا عليه السلام: لَقَدْ خَرَجْنَا إِلَى تَزْهَةٍ لَنَا وَنَسِيَ بَعْضُ لَغْلَمَانِ الْمَلْحِ فَذَبَحُوا لَنَا شَاةً مِنْ أَسْمَنِ مَا يَكُونُ فَمَا انْتَفَعْنَا بِشَيْءٍ حَتَّى انصَرَفْنَا .

(میزان الحکمه ج ۴)

امام رضا علیه السلام : روزی به گردش خودمانی رفتیم ، ولی یکی از خدمتکاران فراموش کرد نمک بیاورد ؛ از این رو ، از گوسفند چاقی که برایمان ذبح کردند ، هیچ استفاده‌ای نکردیم و بازگشتیم .

(منتخب میزان الحکمه)

اهداف سیر و سفر از دیدگاه اسلام

۱- سفر در سرزمین‌ها برای تأمل و پند و اندرزگیری؛

۲- برای فراگیری علوم؛

۳- کسب فواید (از بین بردن و بر طرف کردن غم‌ها، بدست آوردن زندگی، علم، اخلاق، هم‌نشینی با افراد بزرگوار)؛

۴- بزرگترین اهداف و بهترین آن: ادای رسالت که این امت بر آن مشرف شده دعوت به دین خدا بر اساس حکمت و موعظه حسنه؛

۵- فرصت طلایی برای عرضه‌ی اسلام؛ با آمدن گردشگر به دیار اسلامی آثار و تاریخ آن‌ها را می‌شناسد و با چشمانش عادات و تقالید آن‌ها را می‌بیند. مرحوم شیخ احمد دیدات می‌فرماید: «اگر هنگامی که یک مصری هر گردشگری را که به کشورشان می‌آید به اسلام دعوت کنند اغلب ساکنان دنیا به دین خدا در کمترین سال‌ها می‌پیوندند، برای اینکه آن‌ها فطرتاً دنبال آن هستند».

۶- گردشگری صنعت مهمی است که تاثیرات مهم آن و نقشش در ایجاد فرصت‌های کاری بر هیچکس پوشیده نیست. خداوند سبحان می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ) (الملك آیه ۱۵)

اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست.

۷- کسب زندگی ممکن نیست مگر با تحرک و گرفتن وسایل مشروع (و هُزِّي إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا)

(مریم آیه ۲۵)

و تنه‌ی درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان بر تو خرمای تازه می‌ریزد.

مسلمانان به دلایل مختلف از جمله زیارت، کسب علم، کشف سرزمین‌هاها جدید و آشنایی با آداب و رسوم دیگر کشورها و گسترش اسلام سفرهای زیادی در قرون وسطی داشته‌اند که حاصل این سفرها، سفرنامه‌هایی است که به یادگار مانده است. در زیر فهرستی از

۱۵ - محمدبن قو، پادشاه مالی (از جهانگردان ناشناخته مسلمانان است)

۱۶ - ابوریحان بیرونی (از دانشمندان و جغرافی دانان بزرگ اسلامی و به هند و خوارزم سفر کرد و کتاب تاریخ هند را نوشت)

۱۷ - ناصر خسرو (سفرهای به ایران، ترکستان، هند و سرزمینهای عربی دارد و کتاب سفر نامه ناصر خسرو را نوشت)

۱۸ - محمدبن محمدبن شریف ادیسی (صاحب کتاب نزهة المشتاق فی افتراق الافاق از بزرگان جغرافی دان مسلمان)

۱۹ - عبدالکریم بن ابن بکر سمعانی (از دانشمندان مرو و سفرهایی به ماوراءالنهر، ایران، عراق، شامو حجاز داشت)

۲۰ - ابن جبیر (کتابی به نام تذکره بالاخبار عن اتفاقات الاسفار دارد و سفرهایی به مصر، شام، حجاز و سرزمین های مغرب دارد)

۲۱ - علی بن ابی بکر (ابی طالب) بن علی هروی الاصل سفرهایی به هند، قسطنطنیه، مغرب، سیسیل و جزایر دریای مدیترانه داشت. کتاب الاشاراتالی معرفة الزیارات از اوست

۲۲ - اسامه بن مرشد (سفرهایی به مصر، شام، جزیره و دیگر بلاد عرب داشت و کتابی بنام الاعتبار نوشت).

۲۳ - یاقوت حموی - یونانی الاصل در سایه اسلام رشد کرد و کتاب معروف معجم البلدان را نوشت و سفرهای بسیاری به ایران، سرزمینهای عرب، آسیای صغیر، شام و ماوراءالنهر داشت.

۲۴ - عبدالطیف بن یوسف بغدادی سفرهایی به مصر، شام، و عراق داشت و کتاب الافاده و الاعتبار فی الامور المشاهده و الحوادث المعانیة بارض مصر را نوشت.

۲۵ - علی بن موسی بن محمدبن عبدالطیف بن سعید مغربی سفرهایی به کشور های عربی، عراق، شام، حجاز، تونس و ارمنیه داشت و کتاب المغربی حلیالمغرب را نوشت.

جغرافی دانان و جهانگردان مسلمان که از کتاب جهانگردان مسلمان در قرون وسطی نوشته دکتر زکی محمد حسن ترجمه آقای عبدالله ناطری طاهری گرفته شده است - به عنوان فعالیت های جهانگردی مسلمانان آورده شده است.

جهانگردان مسلمان در قرون وسطی

۱ - سُلّام ترجمان (سفری به سوی دیوار چین داشت)

۲ - ابن وهب قریشی (سفری به سوی دیوار چین داشت)

۳ - سلیمان سیرافی (سفری به هند و چین داشت)

۴ - احمدبن فضلان بن عباس بن راشد (سفری به بلغار در سال ۳۰۹ هجری داشت)

۵ - ابودلف مسعودبن مهلهل خزرچی ینبوعی (شاعر، ادیب و سیاح قرن چهارم هجری)

۶ - یعقوبی (سفر های دور و دراز به بلاد ارمنه، ایران، هند، مصر و مغرب داشت)

۷ - استخری (سفرهایی که در دو کتاب، کتاب الاقلیم و المسالک الممالک شرح داده شده)

۸ - مسعودی (سفرهایی به ایران، چین هند، جزیره سرانندیب، زنگبار، تونس و سودان داشت)

۹ - ابوالقاسم محمدبن خوفل بغدادی (جغرافی نگار سده چهارم که حدود ۳۰ سال از عمر خود را با سیروسیاحت در بلاد اسلامی گذراند)

۱۰ - ابو عبدالله مقدسی معروف به بشاری (که بلاد اسلامی را طی کرده و کتاب احسن التقاسیم فی معرفة القالیم را نوشت)

۱۱ - محمد اندلسی (متوفای ۳۶۳ ه. که کتابی در شرح افریقیه (تونس) و مغرب تألیف کرد)

۱۲ - حسن بن محمد مهلبی (سفرهایی به سودان داشت و کتابی در این زمینه تألیف کرده است)

۱۳ - حسن بن محمد مهلبی - معاصر خلیفه العزیز بالله - (سفری طولانی به سرزمین سودان داشت)

۱۴ - عبدالله بن عبدالعزیز بکری (صاحب کتاب المسالک و اممالک و از جغرافیدانان مشهور قر پنجم)

البته بایستی گفت که نام بسیاری از جهانگردان مسلمان به علل مختلف و مخصوصاً به خاطر اینکه اثری از آنها بجای نمانده است در این فهرست ذکری از آنان نشده است.

در آیین اشعار بزرگان ادب و فرهنگ ایران زمین سفر اینگونه تجلی پیدا کرده است

گرچه دوریم بیاد تو قدح می نوشیم
بعد منزل نبود در سفر روحانی .

(حافظ)

تا تو اندر حضری من بحضر پیش توام
تا تو اندر سفری با تو من اندر سفرم .

(فرخی)

با رفیقان سفر مقرر باشد
بی رفیقان سفر سقر باشد.

(سنایی)

قرآن ز سفر جهان گرفته ست
ماه از سفر آسمان گرفته ست .

(خاقانی)

زین بحر همچو یاران بیرون شو و سفر کن
زیرا که بی سفر تو هرگز گهر نگردی .

(عطار)

از سفرها ماه کیخسرو شود
بی سفرها ماه کی خسرو شود.

(مولوی)

آنکه شش ماه در سفر باشد
روی دیگر براه در باشد.

(اوحدی)

هر سفری را خطری در ره است
هر خطری را خبری در ره است .

(خواجوی کرمانی)

ای دل ارچند در سفر خطر است
کس خطر بی سفر کجا یابد.

(ابن یمن)

اگر از خویش برون آمده ای چون مردان
باش آسوده که دیگر سفری نیست ترا.

(صائب)

توشه از طاعت یزدانت همی باید کرد
که در این صعب سفر طاعت او توشه ماست

(ناصرخسرو)

ز بعد یوسف ایوب صابر آمد باز
بدهر بد صد و هفتاد و کرد عزم سفر.

آقای فواد فاروقی در کتاب سیری در سفرنامه ها، بررسی جامعی از انواع سفر نامه ها و سفرنامه نویسان داشته است، ایشان کتاب خود را به ۳ بخش: ۱ - سفرنامه نویسان خارجی ۲ - سفرنامه نویسان ایرانی ۳ - سفرنامه های برگزیده تقسیم کرده است که جهت جلوگیری از اطاله کلام فقط به ذکر این سفرنامه نویسان و سفرنامه های آنان اکتفا می شود.

الف . مشهورترین سفرنامه های پیش از صفویه

۱ - ابودلف ۲ - ابن بطوطه ۳ - کنتارینی

ب . مشهورترین سفر نامه های دوره صفویه

۱ - برادران شرلی ۲ - شاردن ۳ - تاورنیه ۴ - سانسون

۵ - پیترو دلواله ۶ - کمپفر

ج . سفرنامه های متفرقه

۱ - یان اسمیت ۲ - سرهارفوردجونز

د . مشهورترین سفرنامه های دوره قاجاریه

۱ - دروویل ۲ - چالرز فرانسیس مکنزی ۳ - اوژن

فلانندن ۴ - گریبایدوف ۵ - ارنست اورسل ۶ - هنری

مورز ۷ - مسیوبهلر ۸ - دکتر مووریه ۹ - هوتم

شیندلر

ه . سفر نامه های تحقیقاتی، تبلیغاتی و سفرنامه نویسان

داستان پرواز

۱ - پروفیسور ادوارد برون ۲ - دکتر سریل الگود

۳ - اوستاس دولوری ۴ - دوگلاس سرادن ۵ - جیمز

موریه ۶ - هرمان نوردن

و. سفرنامه های خارج از مرز ایران امروز

خود، بیش از توان مالی اش خرج می کند و در این اوضاع، به او ستم شده است.

شهاب بن عبدربه می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: یابن رسول الله شما مرا می شناسی و از گشاده دستی و بخشندگی من بر برادران مؤمنم باخبر هستی، آیا جایز است با گروهی در راه مکه همراهی کنم و بر آنها بذل و بخشش کنم؟ امام علیه السلام فرمود: ای شهاب! چنین مکن. اگر تو گشاده دستی کنی و زیاد خرج کنی و آنها نیز چنان کنند. بر آنها ستم کرده ای و اگر آنها قادر نباشند و از خرج کردن بپرهیزند، آنها را خوار کرده ای. پس با افراد هم شأن و همانند خود همراهی و دوستی کن!

امام موسی کاظم (ع)، نیز سفارش کرده است:
إِذَا صَحَبْتَ فَأَصْحَبْ لِحَوْكَ وَ لَا تُصْحَبَنَّ مَنْ يَكْفِيكَ فَإِنَّ ذَلِكَ وَزَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ.

با کسی دوست و هم صحبت شو که هم شأن تو باشد، نه کسی که خرج تو را دهد که این، مذلت مومن است.

پس برای حفظ ارزش های انسانی، بایسته است مسافر مسلمان، همسفر خود را از کسانی برگزیند که از نظر مالی نزدیک به هم و از نظر علم و فضیلت، با همراهان خود هماهنگ و هم فکر باشد.

۳- سفر کردن با کسی که مایه زینت انسان باشد انسان، در مسافرت باید هم نشین و همراه خود را از کسانی برگزیند که اخلاقی خوب و سالم داشته باشند و آراسته به نیکی هاباشند و از نظر خلق و خو الگو بوده و شیوه رفتاری و مرام آنها آموزنده باشد. هم نشین انسان باید زینت او باشد و خود، با افراد پست و فرومایه هم نشین نشود. تا سبب کاهش شأن و جایگاه انسان شود. امام صادق (ع) در باره ویژگی های هم سفر می فرماید:

إِصْحَبْ مَنْ تَتَزَيَّنُ بِهِ وَلَا تَصْحَبْ مَنْ يَتَزَيَّنُ بِكَ.
 با کسی سفر کن که زینت و افتخار تو باشد، نه آنکه تو زینت او باشی.

۱- حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی ۲- موسی بیگ ۳- محمد حسن بیگ ۴- ابوالحسن خان شیرازی ۵- حسین خان نظام الدوله ۶- عبدالفتاح گرمودی ۷- ناصر الدین شاه ۸- محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۹- حاجی پیرزاده نائینی ۱۰- ابراهیم صحافباشی طهرانی ۱۱- سید محمد لشکر نویس نوری ۱۲- مهدیقلی خان هدایت

ز. روزنامه ها و سفرنامه ها در مورد ایران

۱- روزنامه سفر خراسان ۲- روزنامه سفر مازندران ۳- سفرنامه خوزستان ۴- سفرنامه رکن الدوله ۵- سیاحت نامه ابراهیم بیگ ح. سفرنامه نویسان معاصر

۱- دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی ۲- جلال آل احمد ۳- ایرج افشار ۴- محمود دولت آبادی

اصول و معیار های سیر و سفر

۱- پرهیز از سفر انفرادی

با توجه به شرایط مختلف سفر و مشکلات مسافر در راه، از سفر کردن شخص به تنهایی و بدون همراه و همسفر، نهی شده است.

پیامبر اکرم (ص) در وصیت خود به امام علی علیه السلام فرمود:

ای علی! در هیچ سفری تنها خارج مشو؛ زیرا شیطان، یار شخص تنهاست و او از دو نفر دور است، ای علی! هرگاه شخصی به تنهایی سفر کند به لغزش و گمراهی می افتد.

پس مسافری که از خانه و کاشانه خود دور شده، برای تأمین آسایش و آرامش خویش در سفر، باید همسفری را انتخاب کند تا از خطرهای جانی و مالی در امان باشد.

۲- با هم شأن خود سفر کنید

سعی نمایید با افرادی که همسفر می شوید، از نظر مالی، و گشاده دستی، همگون و همراه هم یا دست کم به هم نزدیک باشید؛ زیرا همسفر شدن با کسی که از نظر مالی قوی تر است، گاهی سبب سرشکستگی انسان می شود. شخص برای فرار از خوار شدن، با توجه به سرمایه اندک

در آموزه های دین اسلام، از بدخلقی در سفر به شدت نهی شده است، چنان که پیامبر اسلام(ص) در سفری که عازم مکه بود، به همسفرانش فرمود: «مَنْ كَانَ سَيِّئُ الْخُلُقِ فَلَا يَصْحَبُنَا؛ هر کس بدخلق است، با ما مصاحبت و همراهی نکند». امام صادق (ع) نیز می فرماید: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَسِّنْ صُحْبَتَهُ مِنْ صَحْبِهِ وَ مُرَافَقَتَهُ مِنْ رَافِقِهِ وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ وَ مُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ. از ما نیست کسی که با همراهانش حسن معاشرت نداشته باشد و با دوستانش دوستی و مدارا نکند و نمک کسی را می خورد، نمک شناس صاحبش نباشد و با آن که همراه است، حسن خلق نداشته باشد.

در دستورات اسلامی، به خوش رویی و خوش اخلاق نیک در سفر بارها سفارش شده است؛ زیرا هم نشینی با افراد گشاده رو، لذت بخش و شیرین است و در طول سفر هنگام بروز مشکلات با بردباری باید با آنها مبارزه کرد تا سختی ها به شیرینی تبدیل شود.

۶ - سازگاری با همراهان

لقمان حکیم در سفارش های خود به فرزندش چنین گفته است:

هر گاه با گروهی راهی سفر شدی، بسیار با همراهان مشورت کن، با گشاده رویی با آنان برخورد کن. برای زاد و توشه ات بخشنده باش و اگر از تو یاری خواستند، سپس یاری شان کن.

امیرمؤمنان علی (ع) به پسرش، محمدبن حنفیه سفارش کرد:

مُرُوهُ السَّفَرَ فَبَدَلِ الزَّادِ، وَ قَلَّةٌ خِلَافَ عَلِيٍّ صُحْبِكَ وَ كَثْرَةٌ ذِكْرٍ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ مَصُورٍ وَ مَهْبَطٍ وَ نَزُولٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ.

جوانمردی های سفر با بخشش توشه راه، کمتر اختلاف کردن با دوستان همراه و ذکر زیاد خداوند بلند مرتبه در هر جایگاهی (در هر مکانی) است.

هم عقیده بودن و محترم شمردن دیدگاه های همراهان در سفر، امری مهم و کلیدی است. سازگاری با همسفران، افراد با یکدیگر صمیمی تر و احترام متقابل و آرامش میان آنها را فراهم می کند.

پس مسافر مسلمان باید همسفر خود را از میان کسانی برگزیند که اخلاقی پسندیده دارند تا همراهی با آنها زینت بخش وجودش شود و به رشد روحی و روانی انسان کمک می کند. با کسانی سفر نکند که شأن و منزلت او را کاهش دهند.

۴ - سفر خود را با صدقه و خواندن آیت الکرسی آغاز کنید

حسن بن محبوب از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده است که گفت امام صادق (ع) فرمود: صدقه بده، و هر روز که بخواهی به سفر برو.

حماد بن عثمان روایت کرده است که از امام صادق (ع) پرسیدم: سفر در روزهای مکروه، مانند چهارشنبه و غیر آن، چکنم؟ امام فرمود: سفرت را با صدقه آغاز کن، و سپس آیه الکرسی را بخوان و حرکت کن. و بر پیامبر اکرم(ص) صلوات بفرست و برای سلامتی خود دعا کن.

۵ - اخلاق نیکو در سفر

با اخلاق خوب با همراهان رفتار کن (سفر وسیله سنجش اخلاق مردم است . یکی از خوبیهای سفر های گروهی با دوستان اینست که میتوان به اخلاق و روحیه طرف مقابل پی برد.) از مهم ترین آداب و دستورهای پیشوایان معصوم (ع) خوش خلقی در سفر است. انسانی که ویژگی های ذاتی نیکویی مانند خوشرویی، تواضع و ادب را داراست، نه تنها سفر را به کام خود شیرین خواهد کرد، برای همراهان خود نیز سفری به یاد ماندنی و خاطره برانگیز به جای خواهد گذارد. امام جعفر صادق (ع) به معلی بن خنیس سفارش فرموده است:

عَلَيْكَ بِالسَّخِّ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ، فَإِنَّهَا يَزِينَانِ الرَّجُلَ كَمَا تَزِينُ الْوَاسِطَ الْقَلَادَةَ.

تو را به بخشش و خوش خلقی سفارش می کنم؛ زیرا این دو، زینت انسان است، همانند گوهرهای میان گردن بند.

می دانم شما کارها را انجام می دهید، ولی خداوند بلند مرتبه ناپسند می شمرد که بنده ای، خود را تافته جدا بافته و با فضیلت تر اصحاب و دوستانش بداند. پس پیامبر (ص) برخاست و برای آنها هیزم جمع کرد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) به ابوذر فرمود: ... جوانمردی در شش چیز است سه تای آن در سفر و سه مورد دیگر در حضر است. آن سه که در حضر است: خواندن قرآن، آباد کردن مسجد و مردم را برادر گرفتن در راه خدا، و اما آن سه که در سفر است بخشیدن زاد و توشه به همراهان، اخلاق نیکو، خوش رفتاری با همراهان.

۹ - خواندن نماز در اول وقت

هر گاه وقت نماز فرا رسید به خاطر هیچ چیز آن را به تاخیر مینداز و نماز را در اول وقت به جماعت بخوان حتی در سخت ترین شرایط

۱۰ - در سفرهای گروهی، هزینه خود را در میان (وسط) بگذارید. این کار باعث گوارا شدن سفر میشود و از نظر اخلاقی هم بهتر است و بر هیچکدام هم اجحاف نمیشود و همه به طور مساوی در خرج کردن شریکند.

۱۱ - از کسی که سنش بیشتر است حرف شنوی داشته باش و به او احترام کن.

۱۲ - در سفرهای گروهی، با هم در انجام کارها مشورت کنید.

۱۳ - در سفر برای خود در بین گروه امتیاز قائل نشوید و با هم همکاری و تقسیم کار داشته باشید. آنکه در سفر به دیگران خدمت میکند آقا و سرور گروه است.

۱۴ - اگر همسفران از تو چیزی خواستند تا حد امکان به آنها جواب مثبت بده

۱۵ - از توشه خود به همسفران بخش و سخاوتمند باش (کسری لوازم آنها را جبران کن).

۱۶ - بر همسفران بسیار لبخند بزن و تبسم نما.

۱۷ - در هر کار خیر به جز در گناه با رفقای همراهی کن.

پس مشورت، گشاده رویی، بخشش زاد و توشه، یاری کردن و مخالفت نکردن، از نمونه های بسیار مهم سازگاری با همراهان در سفر است. بدین ترتیب، سفر نیز به کام همسفران شیرین و به یاد ماندنی می شود.

۷ - بخشش زاد و توشه

امام کاظم (ع) فرمود:

مَنْ خَالَطَ فَإِنْ اسْتَطَعَتْ أَنْ يَكُونَ يَدَكِ الْعَلِيَا عَلَيْهِ فَافْعَلْ.

با هر کس که معاشرت داری، ممکن است که دست بالاتر از دست او باشد (بخشنده و یاری کننده باش)، حتماً چنین کن.

در حدیث دیگری از امام صادق «} می خوانیم:

الْمَرْوَةُ فِي السَّفَرِ كَثْرَةُ الزَّادِ وَ طَيْبُهُ وَ بَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مِنْكَ.

مردانگی در سفر، عبارتند از: زیادی توشه، نیکو بودن آن و بخشش آن به همراهان.

در طول سفر، فرد بخشنده با گذشتن از زاد و توشه خود، جوان مردی را به اوج می رساند و با این حرکت خویش، محبت و صمیمیت بین افراد را بیشتر خواهد کرد.

۸ - همکاری و یاری رساندن به همسفران

از نکات مهم سفر، یاری رساندن به همراهان است که اسلام، بسیار به آن سفارش می کند. پیامبر گرامی اسلام «از اینکه کسی در سفر، کارهایش را به دیگری واگذار کند، اکراه داشت و دیگران را نیز به وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری در سفر سفارش می کرد. در روایتی آمده است که حضرت رسول در یکی از سفرها به اصحاب خود امر کرد تا گوسفندی را بکشند. یکی از همسفران ذبح گوسفند، دیگری پوست کندن گوسفند، شخصی قطعه قطعه کردن آن دیگری کار پخت آن را برعهده گرفت. رسول خدا (ص) فرمود: جمع کردن هیزم نیز با من. پس همگی گفتند: ای رسول خدا، شما به زحمت می افتید، ما این کار را انجام می دهیم. پیامبر (ص) فرمود:

عَرَفْتُ أَنْكُمْ تَكْفُونِي وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَكْرَهُ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا كَانَ مَعَهُ أَصْحَابُهُ أَنْ يَنْفِرَ مِنْ بَيْنِهِمْ.

۱۸ - شوخی کردن با همسفران در غیر موردی که موجب خشم خدای متعال میشود، یعنی شوخی نباید به معصیت خدای متعال ختم شود.

۱۹ - اسرار و رازها و بدی های دوستان و همراهان را پس از بازگشت از سفر برای دیگران بازگو نکن.

۲۰- در حد توان در هنگام بازگشت از سفر برای خانواده خود هدیه بیاور، ولو خیلی ناچیز.

نتیجه گیری

پروردگار متعال به کشور ما طبیعت زیبا و آب و هوای مختلف عطا فرموده است و همچنین در این سرزمین اقوام زیادی با فرهنگ های متفاوت و آثار دینی و تاریخی و ادبی قرار داده است. شایسته است با برنامه ریزی مدون از این عطایا الهی بیشترین و بهترین استفاده را ببریم. مطلوب است برنامه ریزی مشخص و اهدافی برای گردشگری برگرفته از مبانی اسلامی و ادبی داشته باشیم. می توانیم از صنعت گردشگری به عنوان وسیله ای برای دعوت به اسلام با شکل صحیحش بهره گیریم و برای مردم چهره ی نورانی اسلام را نشان دهیم. زمینه ارتباطات سالم و نشر فرهنگ اسلام و تعالی دین را به سایر هم نوعان خودمان بیاموزیم و حقیقت های پنهان را آشکار سازیم.

حضور گردشگر در هر کشوری به مانند یک کلاس درس یاددهنده ی تاریخ، فرهنگ، تمدن و شاخص های رفتاری آن ملت است که می تواند به وسیله ی همان توریست به کشور خودش منتقل شده و هر دو کشور با هم تبادل فرهنگی داشته باشند. باید دین اسلام و مقررات آن در تمامی رفتارها نمود داشته و فرهنگ متفاوتی از اسلام به جهانیان نشان داد. باید روی رفتار دوستانه ی مردم ایران سرمایه گذاری شود تا این خصلت به جهانیان معرفی شود. آگاهی رسانی به مردم با استفاده از رسانه ها، نخستین اصل مهم در توسعه ی این صنعت است. مهمان نوازی اسلامی، مدیریت فرهنگ سفر - توجه به گردش و گردشگر- توجه به مساجد و معماری های اسلامی - اسلامی کردن هتل ها - دقت در تمدن اسلام با

توجه به امنیت شهرها و راهها - مدیریت راهبرد های کیفی در گردشگری، ایجاد فضای امن در گردشگری فرهنگی - زیبایی شناسی در فرهنگ قرآنی - احترام به قوانین اسلام ضرورت های توسعه صنعت گردشگری می باشد

منابع

ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق) ۱۳۶۹ من لا یحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری، صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق

حافظ، شمس الدین ۱۳۵۹، دیوان شمس الدین محمد حافظ، مقدمه و تصحیح و تحشیه از پرویز ناتل خانلری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۰۰۶ ص.

دهخدا، علی اکبر ۱۳۷۴، امثال حکم، تألیف دهخدا، تهران: امیر کبیر، جلد ۲.

دهخدا، علی اکبر ۱۳۲۵، لغت نامه، تألیف دهخدا، تهران: چاپخانه مجلس.

دیبایی، پرویز ۱۳۷۱، ساخت جهانگردی، تألیف پرویز دیبایی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۰۸ ص.

دیلمی، محمد ۱۳۶۲، ارشاد القلوب تهران: اسلامیه

زکی محمد حسین ۱۳۶۶، جهانگردان مسلمان در قرون وسطی، ترجمه و پاورقی از عبدالله ناصری طاهری، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶. ۱۶۷ ص.

صدیقیان، مهین دخت ۱۳۶۶ فرهنگ واژه نمای حافظ به انضمام فرهنگ بسامدی، فراهم آورنده مهین دخت صدیقیان با همکاری ابوطالب میر عابدینی، تهران: امیر کبیر.

فاروقی، فواد ۱۳۶۱، سیری در سفرنامه، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.

فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، به خط طاهر خوشنویس، بیجا، بی تا. ۱۳۴۰ ص.

فیض الاسلام، علی نقی ۱۳۷۰، نهج البلاغه (فارسی - عربی)، تهران: فیض الاسلام

قرآن - عربی - فارسی ۱۳۵۴، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، به خط خالقی زنجانی، تهران: انتشارات صالحی.

مجلسی، محمد باقر ۱۳۸۱ حلیه المتقین، تهران: موسسه انتشاراتی امام عصر(عج)
محمدی ری شهری، محمد ۱۳۶۷، میزان الحکمه، تهران:
مکتب الاعلام اسلامی، جلد ۴ .
نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم
(ص) ۱۳۶۰، مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده،
تهران: جاویدان، ۷۰۷ ص .

<http://www.hadith.ac.ir/default.aspx?pageid=581#196>